



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مروری بر مباحث گذشته

موضوع جزئی: مروری بر مباحث گذشته

سال: چهارم

تاریخ: ۷ مهر ۱۳۹۲

مصادف با: ۲۳ ذی القعدة ۱۴۳۴

جلسه: ۱

«الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

مروری بر مباحث رجالی از ابتدا تا کنون:

با توجه به فصل زمانی طولانی بین مباحث، مروری کلی بر مباحثی که تا اینجا مطرح شد می‌کنیم، سپس وارد بحث جدید خواهیم شد. به طور کلی شروع بحث ما از ابتدا پیرامون کتب اربعه بود، در این رابطه ما کتاب کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و استبصار شیخ طوسی را مورد بررسی قرار دادیم، مزایا و معایب و محاسن این کتب را بیان کردیم و مقایسه بین این کتب را انجام دادیم. عمده بحث در مورد اعتبار کتب اربعه بود که آیا اساساً روایات کتب اربعه معتبر است یا نه؟ عرض کردیم روایات این کتب معتبر است؛ یعنی صرف وجود یک روایت در کتب اربعه موجب اعتبار آن روایت است و نیازی به بررسی سندی ندارد، البته ما قیودی را در این رابطه ذکر کردیم، شبهات و ابهاماتی وجود داشت که پاسخ دادیم و گفتیم اینکه ما می‌گوییم روایات کتب اربعه معتبر است در غیر مواردی است که معارض دارد، قطعاً ما نمی‌توانیم ملتزم شویم همه روایات کتب اربعه معتبر است هر چند معارض داشته باشد؛ چون معنای اعتبار دو روایت متعارض جمع بین متناقضین است و چنین چیزی امکان ندارد لذا در غیر موارد تعارض اگر حتی روایت ضعیفی هم در این کتب آمده باشد گفتیم حتماً این روایت در جای دیگر و به طریق دیگر نقل شده لذا ضعف سندی مشکلی ایجاد نمی‌کند.

بعد از کتب اربعه که منبع اصلی روایات محسوب می‌شوند درباره بعضی از جوامع روایی از جمله مستطرفات سرائر، نوادر الحکمة، دعائم الاسلام، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، کامل الزیارات و عوالی اللثالی سخن گفتیم و همه اینها تحت عنوان جوامع روایی اولیه مورد بحث قرار گرفت، سپس به بحث از جوامع روایی ثانویه که عمدتاً مربوط به عصور متأخره است پرداختیم، در این رابطه پنج کتاب مهم وافی - یکی از کتاب‌هایی که مورد غفلت واقع شده کتاب وافی مرحوم فیض کاشانی است که از بعضی جهات از بعض کتب روایی دیگر برتر است اما مورد اقبال واقع نشده است - بحار الانوار، وسائل الشیعة، مستدرک الوسائل و جامع احادیث الشیعه که زیر نظر مرحوم آیت الله بروجردی جمع آوری شده را مورد بحث قرار دادیم. پس بحث اول ما در رابطه با جوامع روایی بود اعم از جوامع روایی اولیه و ثانویه، البته کتب اربعه به خاطر اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که دارند مستقلاً مورد بحث قرار گرفت.

بعد از جوامع روایی به بحث از مصادر رجالی پرداختیم، گفتیم مصادر رجالی هم دو دسته‌اند؛ مصادر اولیه و مصادر ثانویه. مصادر رجالی اولیه عبارت بودند از: رجال کشی، فهرست کشی، رجال شیخ طوسی، فهرست شیخ، رجال برقی و رجال

این غضائری که آنها را مورد بررسی قرار دادیم. مصادر رجالی ثانویه هم عبارت بودند از: فهرست شیخ منتجب الدین، معالم العلماء، رجال ابن داوود و خلاصة الاقوال مرحوم علامه حلی. البته در بین متأخرین هم بعضی مصادر رجالی وجود دارد، مرحوم تستری، مرحوم مامقانی و مرحوم آیت الله خوبی از جمله کسانی هستند که کتاب‌هایی در علم رجال به رشته تحریر در آورده‌اند.

بعد از شناخت جوامع روایی و مصادر رجالی به متن بحث‌های رجالی وارد شدیم و سعی شد بیشتر به مباحثی اشاره شود که کار برد بیشتری دارند و مورد نیاز هستند، بنابراین از بحث توثیقات عامه و خاصه شروع کردیم و گفتیم توثیقات بر دو نوع عام و خاص هستند، تصریح یکی از ائمه معصومین (ع) به وثاقت یا عدالت، تصریح اعلام رجال و ادعای اجماع نسبت به وثاقت و عدالت شخصی به عنوان توثیقات خاصه محسوب شدند که ما تک تک آنها را مورد بررسی قرار دادیم. توثیق عام هم طرق و راه‌هایی داشت، فرق توثیق خاص و عام این بود که توثیق خاص به این معنی بود که وثاقت شخص خاصی ثابت شود؛ مثلاً امام معصوم (ع) در مورد زراره بفرماید: «زراره ثقة» ولی توثیق عام ضابطه و قاعده‌ای است که شامل عده‌ای از افراد می‌شود، در همین رابطه سه طریق برای توثیق عام ذکر کردیم؛ اول: اصحاب اجماع «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» که بحث مفصلی در رابطه با آن داشتیم، دوم: مشایخ ثقات؛ یعنی اگر کسی به عنوان مشایخ ثقات قرار گیرد آیا موجب وثاقت اوست یا نه؟ سوم: قاعده «لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقة» که در مورد تعداد آن اختلاف بود که تعداد افرادی که در مورد آنها گفته شده «لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقة» چند نفر هستند؟

به هر حال ما این سه طریق را مورد بحث قرار دادیم، بعضی را پذیرفتیم و بعضی دیگر را رد کردیم. آخرین بحثی که سال گذشته مورد بحث قرار گرفت عبارت بود از بعضی از اموری که به عنوان نشانه‌های وثاقت راوی ذکر شده است که در مورد تک تک آنها بحث کردیم که آیا این امور می‌تواند علامت و نشانه وثاقت راوی باشد؟ اول: از آن امور کثرت روایت از امام (ع) بود، یعنی اگر یک راوی زیاد از امام (ع) روایت نقل کند آیا بر وثاقت او دلالت می‌کند یا نه؟

دوم: وکالت از امام (ع)؛ یعنی اگر شخصی از امام معصوم (ع) وکالت داشته باشد آیا این وکالت نشانه وثاقت اوست؟ سوم: ذکر راوی به عنوان یکی از اصحاب امام صادق (ع).

چهارم: قرار گرفتن شخص به عنوان مشایخ اجازه.

پنجم: روایت اجلاء از شخص، یعنی اگر بزرگان و اجلاء از شخصی روایت نقل کنند آیا موجب وثاقت آن شخص می‌باشد؟ ششم: ترحم و ترضی، یعنی آیا اگر در مورد کسی تعبیر «رحمه الله» یا «رضی الله عنه» بکار برده شود موجب وثاقت او می‌شود؟ گفتیم این تعابیر گاهی در کلام امام معصوم (ع) واقع می‌شود و گاهی در کلام غیر معصوم لذا نمی‌توان گفت این تعابیر مطلقاً (چه در کلام معصوم (ع) آمده باشد و چه در کلام غیر معصوم) موجب وثاقت می‌شود، صرف اینکه مثلاً در کتابی در مورد یک راوی گفته شده باشد «رحمه الله» یا «رضی الله عنه»، مثلاً شیخ طوسی، نجاشی یا کشی بعد از ذکر نام

یک راوی در کتب خود در مورد او گفته باشند «رحمه الله» یا «رضی الله عنه» دلالت بر وثاقت شخص نمی‌کند که بحث مبسوط آن را در سال گذشته اشاره کردیم و نمونه‌هایی را اشاره کردیم که در مورد آنها طلب رحمت یا طلب رضایت شده اما تقه نبوده‌اند، البته جایی که تعبیر «رحمه الله» یا «رضی الله عنه» در کلام امام (ع) آمده باشد فرق می‌کند با جایی که در کلام غیر امام (ع) آمده باشد. آنچه ذکر شد مختصری بود از مطالبی که تا کنون خدمت دوستان عرض شده است. ترتیبی که ما برای مباحث رجالی انتخاب کرده‌ایم ترتیب به لحاظ اهمیت است، لذا آنچه به نظر می‌رسد مهم و مورد نیاز است و انسان برای مراجعه به روایات به آنها نیاز دارد را در اولویت قرار داده و چینش بحث بر این اساس می‌باشد و الا شاید ترتیب متداول کتب رجالی بعضاً مغایر با ترتیبی است که ما ذکر می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین».